

گزارشگر ویژه سازمان ملل در گزارش رسمی خود از ابعاد پنهان سیاست تحریم امریکا علیه ایران پرده برداشت

شکست مأموریت ایران ستیزان

گروه سیاسی/ گزارش رسمی «النا دوهان»، حقوقدان بلاروسی که اردیبهشت ماه سال جاری به عنوان گزارشگر مستقل سازمان ملل در امور تحریم‌ها به تهران سفر کرد، روز گذشته منتشر شد و جزئیات مفصلی از سیاست تحریم‌های ظالمانه آمریکا و کشورهای همپیمان او علیه جمهوری اسلامی را افشا کرد. سیاستی که در نوع خود به یک جنگ تمام عیار ولو بدون نام تبدیل شد و طرح‌ان آن هدفی جز رساندن ایران به لبه پرتگاه نداشتند و برای تحقق آن از هیچ اقدامی جهت افزودن رنج بر دوش انسان‌های بی‌گناه دریغ نورزیدند. اما این سودای خام که پیشتر رؤسای جمهور امریکا تا «دونالد ترامپ»، رئیس جمهور پیشین امریکا عهدشکنانه در خیال خود پرورانده بودند و در ادامه نیز از سوی «جو بایدن»، رئیس جمهور کنونی ادامه پیدا کرد، در رویارویی با تدابیر مقابله‌ای ملت ایران بی‌ثمر شد تا دولتمردان واشنگتن بویژه در روند مذاکرات رفع تحریم‌ها در وین در سردرگمی و بلاتکلیفی دست و پا بزنند.

به این ترتیب در شرایطی که رهبران امریکایی در سال‌ها و ماه‌های اخیر با تردستی کوشیدند با بهره‌گیری از ابزار تحریم برای نبل به اهدافی همچون فروپاشی ایران وام بگیرند اما سرسختی و صلابت در مواجهه با این خصومت شهادتی می‌بدلی می‌طلبید

که دولت و مردم ایران با ایستادگی مثال زدنی از خود نشان دادند و مأموریت سناریوهای ایران‌ستیزان را در نطفه خفه کردند.

■ **سیاست شکست خورده**

«النا دوهان» در گزارش خود از ابعاد پیدا و پنهان این سیاست

از ابعاد پیدا و پنهان این سیاست



عکس: علینور قاضی‌موت/انجمن ایران/ا

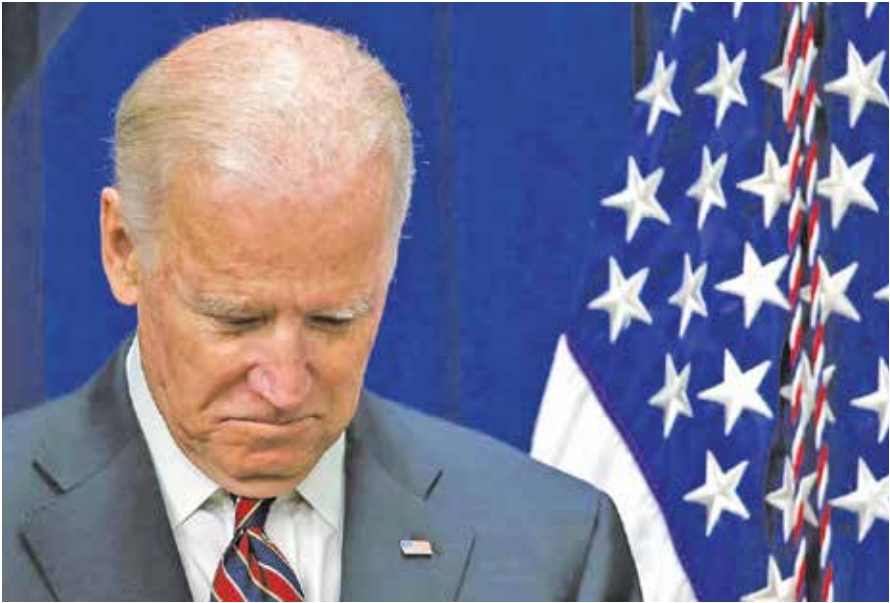
النا دوهان، گزارشگر سازمان ملل، تهران، اردیبهشت ۱۴۰۱

از تحریم دروبی آن هم در شرایطی که همه جهان با بیماری مرگبار کرونا دست و پنجه نرم می‌کرد، هیچ ابایی نداشت.

نکته جالب در این گزارش، امتناع مؤسسات مالی خارجی و شرکت‌های تجاری از پرداخت‌ها و ارائه کالاها و خدمات به ایران زیر سایه ترس از پیامدهای مالی، اعتباری و سایر موارد حتی پس از امضای توافق ۲۰۱۵ بوده است. به این معنا که امریکا با وجود امضای توافق نیز به انحای مختلف سعی در کارشکنی در روند مبادلات اقتصادی ایران داشت و مؤسسات مالی خارجی با توجه به سابقه جرمه‌های مالی سنگین برای نقض تحریم‌های امریکا جهت احیای همچنان تردید داشتند.

■ **اعتراف به یک واقعیت**

«دوهان» در گزارش خود به موفقیت دولت ایران برای کاهش اثر منفی تحریم‌های یک‌جانبه در



برای امریکایی‌ها ضروری‌تر کرد.

■ **دست بستگی، مقابل تیم جدید مذاکرات ایران**

تغییر شیوه مذاکره از سوی ایران به واسطه تغییر دولت، یکی از عواملی بود که در روند مدیریت این جنگ روانی از سوی دولت بایدن مؤثر بود. ادامه بازی مقصرنمایی و ایجاد هم‌نویی گسترده‌تر در اعمال تحریم‌های یکجانبه در صورت تداوم انفعال سیاست خارجی ایران همچون دولت حسن روحانی، بازنگشتن امریکا به روند مذاکرات وین را تسهیل می‌کرد. با این حال ادامه روند مذاکرات آن هم در شرایطی که تیم جدید مذاکرات ایران ابتکار عمل را بخوبی به دست گرفته بود و بر تصورات ادعایی خط‌طلان می‌کشید کار را برای امریکایی‌ها سخت‌تر کرد. این وضعیت بویژه در حالی بود که دولت جدید ایران نه تنها تعامل نسبتاً مساعدی با طرف‌های اروپایی ایجاد کرد بلکه براساس راهبردهای بلندمدت دیپلماسی کشور در مسیر تقویت بیش از پیش رابطه با چین و روسیه به عنوان دو عضواصلی حاضر در مذاکرات قرار گرفت، بنابراین این وضعیت تقویت پروپاگاندای رسانه‌ای علیه ایران را

قابل قبول برای پایبندی این کشور به تعهدات خود و رفع تحریم‌ها است. در این مرحله یکی دیگر از ابزارهای جنگ روانی امریکا تعیین «حزب الاجل‌های ساختگی» برای به نتیجه رسیدن مذاکرات بود تا تحت تهدید نشان دادن روند مذاکرات به خیال خود طرف ایرانی را به عدول از شرایط یکجانبه در مجاب گرداند با ایران را عامل اصلی شکست به توافق را منوط به خروج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از فهرست تحریم‌های موسوم به FTO امریکا کرده است، همزمان دو هدف را پیگیری کردند: نخست، قرار دادن ایران در جایگاه مانع اصلی توافق و دیگر ایجاد دوگانه معیشت- سپاه به عنوان ابزار تقویت اختلافات میان جریان‌های سیاسی در داخل ایران. این دروغ‌پردازی امریکایی‌ها البته بلافاصله از سوی مقامات دیپلماتیک و مذاکره‌کنندگان ایرانی پاسخ داده شد. مقامات کشورمان با تأکید بر اینکه خروج سپاه از لیست تحریم‌ها، پیش شرط ایران نبوده و نیست اعلام کردند که آنچه مانع از وقوع توافق است امتناع امریکا از ارائه تضمین

■ **چهارشنبه ۲۳ شهریور ۱۴۰۱**

■ **سال بیست و هشتم**

■ **شماره ۸۰۰۵**

تأثیرگذار است. رویکردی که از یک سو خود را در شکست نظام سفت و سخت تحریمی امریکا و از سوی دیگر در فرارگری کشور در مجموعه روابط اقتصادی با بلوک‌های قدرتمند آسیا نشان داده است.

در چنین شرایطی است که به موازات پیگیری دیپلماسی متکرانه ایران در روند گفت‌وگوهای وین، یافتن راه‌های گریز قانونی از تحریم‌ها در ترکیب با درآمد نفتی ای که بویژه در یک سال اخیر فروش آن به شمار زیادی از کشورها امکان پذیر شده است، موجب موقعیت برتر ایران جهت پیگیری خواسته‌های بحق خود در چهارچوب توافق احتمالی شده است.

متناظر با این تحولات است که مسئولان جمهوری اسلامی بیش از هر وقت دیگری بر گزاره رفع اثرگذار تحریم‌ها و دریافت تضمین‌های لازم در روند مذاکره با کشورهای طرف توافق تأکید دارد. خواستی که نشان می‌دهد دولتمردان امریکایی برای تحقق آن نباید تنها به یک تعهد کاغذی اکتفا کنند.

نکته مهم و جالب توجه اما اعتراف مکرر مقامات امریکایی به شکست سیاست‌های فشار حداکتری بود؛ مسأله‌ای که برای دولتمردان امریکا به آینه عبرت تبدیل نشده

و می‌کوشند هرچند بی هدف اما تبلیغاتی، تحریم‌های سابق را با عناوین جدید آزمایشی کنند تا در مبارزات انتخاباتی داخلی مورد همه رقیبان خود قرار بگیرند؛ امری که به وضوح یادآور همان جمله معروف و آن «بیتباد رژیم امریکا به خود را به رویکرد واشنگتن جهت لغو تحریم‌ها و دستیابی به توافق گره زده و در رویدادهای محیط پیرامونی خود نه یک تماشاگر صرف که بازیگر

سوی ایران به روسیه با هدف تبدیل کردن ایران به یکی از طرف‌های فعال در بحران اوکراین و ایجاد تنش میان ایران و طرف‌های اروپایی یکی از همین داستان پردازی‌ها بود که رسماً و مکرراً از سوی مقامات کشورمان با تأکید بر اینکه هرگونه همکاری نظامی - دفاعی تهران و مسکو مربوط به قبل از آغاز جنگ اوکراین بوده است، پاسخ داده شد. تحریم وزیر و وزارت اطلاعات ایران از سوی امریکا به طرفداری از ادای آلبانی درباره حمله سایبری از سمت ایران علیه مراکزى در این کشور که قطع رابطه دیپلماتیک از سوی دولت آلبانی منتهی شد، به جریان انداختن پرونده شکایت سه جاسوس امریکایی آن هم ۱۱ سال پس از آزادی شان از سوی ایران برای دریافت غرامت با ادعای موهوم شکنجه شدن در زندان های ایران از جمله ادامه اقدامات امریکایی است که در ذیل پروژه تبلیغاتی دولت بایدن رقم خورده است.

■ **چرا پروژه تبلیغاتی؟**

اقداماتی که هندی جز وقت کشی در مذاکرات و تلاش برای امتیازگیری برخلاف روندی که تاکنون طی شده و نیز سامان دادن به وضعیت نامطلوب منطقه‌ای محدود نکردند. اعمال نفوذ برای دستور «توقیف نفکش حامل نفت ایران»، در سواحل یونان از جمله دیگر جرحه این فضاسازی تبلیغاتی بود که اگرچه با مقابله به مثل قانونی از سوی ایران و توقیف نفکش‌های یونانی ماجرا-با جبران خطا از سوی آتن خاتمه یافت اما نمایانگر حد اعلاى تقلاى امریکایی‌ها برای تنش‌آفرینی در روابط ایران و البته بی‌حاصلی آن بود.

■ **سوزه‌های جدید برای ادامه جنگ روانی**

با شکست اغلب پروژه‌های پیشین امریکا مرحله دوم این جنگ روانی هم‌زمان با ارائه طرح پیشنهادی خلیج فارس» پیگیری شد. هرچند در مقابل توانمندی دیپلماسی دولت ایران برای تهدیدزدایی و در مقابل

سیاسی

عباس عبدی جزئیات مذاکرات را در روزنامه اعتماد بخواند

«**خبراول اینک**»،چندی قبل عباس عبدی تحلیلگر اصلاح‌طلب یاداشتی درخصوص مذاکرات منتشر کرد که حاوی اطلاعاتی گمراه‌کننده و غیرواقعی بود. به همین سبب «ایران» در همین ستون به آن پاسخ داد و سؤالاتی را نیز در این خصوص مطرح کرد. روز گذشته اما وی طی یادداشتی دیگر در روزنامه اعتماد تلاش کرد تا پاسخ جدیدی را مطرح کرده باشد اما این پاسخ سطح ضعیف تسلط عبدی بر روند مذاکرات هسته‌ای و قرارداد برجام را بیشتر نشان داد.

نخست: «ایران» در مطلب خود به بندبازی سیاسی حامیان دولت سابق اشاره کرده بود که در زمان انعقاد برجام به صراحت اعلام می‌داشتند «مسئولیت مذاکرات با روحانی است» و پس از مشخص شدن ناکامی‌های برجامی اعلام می‌داشتند که «برجام تصمیم نظام و رهبری بوده است.» عبدی در پاسخ به این مسأله آورده است: «برجام آنچنان اهمیت دارد که تأیید ورد آن فقط در سطح رهبری نظام است. کسی که گمان کند برجام خارج از این چهارچوب می‌تواند تصویب شود، یا درکی از جایگاه رهبری نظام ندارد یا درکی از اهمیت برجام ندارد یا هر دو!» این ادعا در حالی از سوی عبدی مطرح می‌شود که برجام با شروط ۹ گانه رهبر انقلاب روبه‌رو شد و در همان شروط اعلام شد که این توافق «مشکلات ساختاری» فراوانی دارد که در صورت عدم رفع آن، کشور را با مشکل روبه‌رو خواهد کرد. این مسأله تا جایی پیش رفت که رهبر انقلاب صراحتاً به کسانی که در برابر این شایعه قرار گرفته بودند که مسئولیت تصویب برجام با رهبری بوده، فرمودند: «شما که چشم دارید، ماشاءالله هوش دارید، همه چیز را می‌فهمید! آن نامهای را که من نوشتم نگاه کنید، ببینید تصویب چه جوری است؛ شرایطی ذکر شده که در این صورت این توافق تصویب می‌شود. البته اگر چنانچه این شرایط و این خصوصیات اجرا نشد، اعمال نشد، وظیفه رهبری این نیست که بیاید وسط بگوید برجام نباید اجرا بشود.» ایشان همچنین ادامه دادند: «برجام را به آن صورتی که عمل شد و «محقق شد»، بنده خیلی اعتقادی نداشتم و بارها هم به خود مسئولین این کار- به آقای رئیس جمهور، به وزیر محترم خارجه، به دیگران همین را گفته‌ایم و موارد زیادی را به آنها تذکر داده‌ایم.» بنابراین، آدرس غلط اصلاح‌طلبان و شانه خالی کردن حامیان و مسببان برجام از هرگونه تعبات آن، اساساً امکان‌پذیر نیست.

دوم: عبدی می‌گوید: «نویسنده محترم بفرمایند چرا مجلس اصولگرایان در ۲۰ دقیقه آن متن را تأیید و شورای نگهبان مخالف روحانی هم فوری آن را مغایر با شرع و قانون اساسی ندانست؟» این ادعا درحالی مطرح شده است که برجام هیچ‌گاه به تصویب مجلس نرسید و تنها یک ماده واحد و ۹ بند در خصوص چگونگی اجرای برجام به تصویب رسید. جانب عبدی که خواهد با این‌همانی میان جریان اصولگرای حامی برجام و جریان انقلابی، انقلابیون را پاسخگو می‌همراهی‌های مکرر رئیس وقت مجلس با دولت روحانی بدانند! این درحالی است که همین همراهی دو رئیس قوه با مثنی سیاسی هماهنگ، مانع مطرح شدن نتایج کارشناسی کمیسیون ویژه برجام شد و حتی گریه‌ها و فریادهای تاریخی نمایندگان امریکایی مجلس را در بری این مهندسی صورت گرفته علیه ملت در بر داشت. این نیز واضح است که شورای نگهبان هم همان مصوبه را تصویب کرد و نه برجام را.

سوم: در این یادداشت مدام از مسئولیت رئیس جمهور جدید در قبال برجام گفته می‌شود. این نکته بدیهی در حالی است که رئیس جمهور کنونی به انعقاد تفاهل اجرایی کشور «مسئولیت‌پذیر» است و همچون روش اسلاف خود هیچ‌گاه به بهانه نداشتن اختیارات از خود سلب مسئولیت نکرده و نمی‌کند. اما اگر انتظار آن است که رئیس جمهور همچون گذشته با استفاده نادرست از اختیارات خود توافقی سست، لرزان و عجولانه برای کشور به ارمغان بیاورد (احتمالاً برای دستاو‌دتراشی در سیاست داخلی)، قطعاً دولت سیزدهم چنین نخواهد کرد. رئیس دولت کنونی نخست چون انقلابی است و دوم چون خود را «مسئولیت‌پذیر» می‌داند تنها پای توافقی را امضا خواهد کرد که منافع ایرانیان را تأمین کند و نه رضایت غرب را و صد البته دربی آن است تا مشکلات ساختاری برجام را کمتر کند. از همین رو مذاکره‌کنندگان با نفی راهبرد «هر توافقی بهتر از بی‌توافقی است» در پی «توافق خوب» هستند نه توافقی که پرونده‌های ادعایی آژانس نیز در آن بسته نشود.

چهارم: عباس عبدی در انتها برای مفهوم تضمین هم می‌گوید «ایران با قدرت خودش اجرای توافق را تضمین می‌کند. باید صریحاً اعلام کند، اگر ایالات متحده از توافق کنار رفت چنین و چنان می‌کند» این مسأله گرچه ساده‌سازی مسأله راهبردی تضمین است اما استفاده از گزاره «چنین و چنان کردن در مقابل نقض عهد دشمن» از سوی اصلاح‌طلبان با باید به فال نیک گرفت. چرا که قبلاً رئیس دولت به وجود آمده از سوی اصلاح‌طلبان، مدعی بود نقض عهد امریکا خروج یک مزاحم از برجام بوده و نیازی به «چنین و چنان کردن» ندارد و با همین دست فرمان یک و نیم سال کشور را به ورطه انفعال کشاند.

پنجم: عبدی در یادداشت آخر خود دیگر اتهاماتی نظیر اینکه دولتمردان «منظمر زمستان سرد اروپا» هستند را مطرح نکرده و اتهامات تلویحی به آنکه برجام در گرو تصمیم‌گیری رئیس‌جمهور است را کنار گذاشته و حتی صراحتاً اعلام داشته که «از جزئیات مذاکرات اطلاعی ندارم که بخواهم نظر دهم»؛ به نظر می‌رسد این تحلیلگر اصلاح‌طلب می‌تواند برای آگاهی از جزئیات مذاکرات از مسئولان روزنامه اعتماد که چندی پیش خبر دادند پیش‌نویس کنونی در مقایسه با پیش‌نویس‌های گذشته از جهات مختلف امتیازات قابل توجهی برای ایران کسب کرده اطلاعات بجزئی بگیرد. این روزنامه در شماره ۱۹ مردادماه امسال به اصلی‌ترین مشکل کنونی مذاکرات یعنی مسأله آژانس اشاره کرده نوشته بود: «غریب‌ها در حالی ادعا می‌کنند که ایران با این مبادی برجام و موضوعات پادمانی تکفیک قائل شود، چراکه این مسأله می‌تواند حرفه‌ای و مستقل بودن آژانس را زیر سؤال ببرد که اتفاقاً اساس امنیتی‌سازی پرونده ایران در گذشته از آژانس و با سیاسی‌کاری‌های این نهاد آغاز شد.»

امروز نیز برخلاف بازی سیاسی غرب‌گرایان، نه ایران بلکه امریکا باید تصمیم بگیرد آیا آماده رفع مشکلات ساختگی در مسیر مذاکره و انعقاد توافق پایدار خواهد بود یا همچنان بلندپروازی‌های خود را دنبال می‌کند؟

■ **آغاز به کار مجدد سفیر امارات در ایران**

«**دست آخری اینک**»،(سیف محمد عبید الزعانی)«سفیر امارات فعالیت خود را در نمایندگی این کشور بعد از ۷ سال مجدداً به صورت رسمی آغاز کرده است. به گزارش ایسنا، اواخر ماه مرداد بود که وزارت امور خارجه امارات در بیانیه خود تأکید کرد: سیف محمد الزعانی با هماهنگی و همکاری مقامات ایران، به منظور کمک به پیشبرد روابط دو جانبه و دستیابی به منافع مشترک دو کشور همسایه و منطقه، برای انجام وظایف دیپلماتیک خود در سفارت امارات، از تهران باز خواهد گشت. حال خبر رسیده که آقای سفیر از ۱۰ روز پیش به تهران بازگشته و فعالیت خود را در نمایندگی امارات در تهران به صورت رسمی آغاز کرده و با توجه به اینکه او پیش از این سفیر بوده، برای فعالیت مجدد خود نیازی به ارائه استوزان‌نامه نداشته است. الزعانی از سال ۲۰۱۱ سفیر امارات در تهران بود ولی در سال ۲۰۱۵ امارات اقدام به کاهش سطح روابط با ایران کرد و سفیر خود را از تهران فراخوانده بود. اما پس از سفر آذر ماه سال گذشته علی باقری، معاون سیاسی وزیر امور خارجه به امارات، صفحه جدیدی در روابط دو کشور باز شد.